

ابن میثم و مصباح السالکین

عبدالحسین کافی^۱

چکیده

نهج البلاغه، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع معارف شیعه، مورد توجه دانشمندان بسیاری در طول تاریخ بوده است. ابن میثم بحرانی، یکی از برجسته‌ترین شارحان این کتاب محسوب می‌شود. نه مؤلف این کتاب به طور کامل شناخته شده، و نه ابعاد گوناگون این کتاب به درستی کاویده شده است. همت این نوشتار، هم پرده برداشتن از ابعادی چند از زندگانی نگارنده این کتاب است و هم، تبیینی گذرا درباره این شرح ارزشمند. کلید واژه‌ها: ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، مصباح السالکین.

مقدمه

آنچه در این نوشته دنبال می‌شود معرفی ابعاد گوناگون زندگی ابن میثم و شرح وی بر نهج البلاغه، مصباح السالکین است. تاریخ تولد و وفات، مشایخ، شاگردان، عمر مؤلف، شخصیت علمی، بخشی از مضمون جستارهای این نوشته درباره این شارح گرانمایه نهج البلاغه را تشکیل می‌دهد؛ نیز درباره کتاب، به تشریح موضوع‌هایی نظیر نام کتاب، انگیزه نگارش، تاریخ نگارش، اهمیت و اعتبار کتاب و مهم‌ترین اباحت محتوایی این شرح، همت گماشته شده است.

اهمیت موضوع

نهج البلاغه پس از قرآن کریم، در رفیع‌ترین جایگاه متون دینی در نزد شیعیان قرار دارد. همین موضوع، اهمیت شرح و تبیین مقصود امیرالمؤمنین علیه السلام را در این کتاب آشکار می‌سازد. آشکار ساختن

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشکده علوم حدیث (قم).

اهداف بلند آن حضرت، تنها در گرو توانائی‌های گوناگون هر یک از شارحان کلام ایشان است. در این میان، ابن میثم به دلیل توانمندی‌های علمی در ابعاد گوناگون، از جایگاه ویژه برخوردار است. ژرف‌اندیشی‌های وی، تنها پس از تعمق بسیار در تبیین وی پیرامون عبارات *نهج‌البلاغه* رخ‌نما می‌گردد. از این‌رو، شناخت ابن میثم و شرح وی ما را به میزان توفیق وی در شرح کلام وصی پیامبر ﷺ رهنمون خواهد شد. شخصیتی که با وجود نوشته‌هایی در باره زندگی شخصی و علمی‌اش، هنوز زوایای حیات او به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته و در زمینه شرح وی بر *نهج‌البلاغه* نیز آنچنان که بایسته است، ژرف‌اندیشی نشده، هر چند منابع زیر به برخی از زوایای این مطلب پرداخته‌اند:

۱. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۲. شرح *نهج‌البلاغه* (ترجمه مصباح السالکین)، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، قربانعلی محمدی مقدم - علی اصغر نوایی یحیی‌زاده، چاپ یکم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ ۱۳۸۵ ش، ج ۱، مقدمه، صص ۲۳ - ۳۰.
۳. شرح *نهج‌البلاغه ابن میثم البحرانی*، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم البحرانی، ج ۱، صص ۵ - ۱۲.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیق «بنیادی» بوده و با استفاده از روش‌های «تحلیلی» و «نقدی» با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای تهیه و تدوین شده است. شیوه کار به تفصیل زیر است:

پس از انتخاب موضوع، فرضیات، سوالات و اهداف تحقیق مورد نظر قرار گرفته است. برای تأمین اهداف تحقیق، زمینه‌های ضروری وصول به این اهداف، مطالعه و بررسی شده است. پس از جستجوی منابع، سعی شده است مطالب در نظامی منطقی و علمی، موضوع‌بندی شده و با سیستم خاص یک پژوهش هدف‌دار، کنار یکدیگر قرار گیرند تا در حد امکان، نظریات این دیدگاه به صورتی متفاوت از آنچه در تألیفات اصلی آمده است، قرار گیرند.

پس از این مراحل، تحلیل و نقد مطالب در حد امکان و با رعایت انصاف علمی مورد توجه بوده است.

در نقد محتوایی، مراجعه به آثار بزرگانی که به زندگی ابن میثم پرداخته‌اند و نیز بقیه شرح‌های *نهج‌البلاغه* و بالاخص خود شرح *نهج‌البلاغه ابن میثم* کارگشا بوده است.

محدودیت‌های موضوع

۱. منابع درباره زندگی شخصی، مراحل تحصیل، اساتید و بقیه ابعاد حیات ابن میثم، به غایت اندک است و اغلب، آنچه فرا چنگ آمد، از ایجاز برخوردار است.

۲. با توجه به شخصیت کلامی، فلسفی ابن میثم و تسلط وی بر آیات و روایات، روش‌شناسی شرح ابن میثم کاری دشوار است. از این رو، با توجه به حیطة مطالعات نگارنده، کسی به این کار مبادرت نورزیده است. بنابراین، تحلیل ابعاد روش ایشان در شرح روایات، از غنای لازم برخوردار نیست.

الف - ابن میثم

۱. تولد و وفات

مؤلف، میثم بن علی بن میثم، ملقب به «کمال الدین»، «مفید الدین» و «عالم ربانی» است. از زندگی او آگاهی اندکی در دست است. همین‌قدر گفته‌اند که در سال ۶۳۶ ق/ ۱۲۳۹ م زاده شد (السلافة البهية فی الترجمة الميمنية). آنچه مسلم است، این که وی در مجمع‌الجزایر بحرین به دنیا آمد و پس از وفات، در مقبره جدش «المعلی» در قریه «هلنا» از قراء بحرین، به خاک سپرده شده است. در باره تاریخ درگذشت ابن میثم اگر چه بیشتر منابع، سال ۶۷۹ ق/ ۱۲۸۰ م را ذکر کرده‌اند، ولی با توجه به این نکته که وی در سال ۸۱ ق/ ۶۸۱ م تالیف الشرح الصغیر لنهج البلاغه را به پایان رساند (طبقات اعلام الشیعة: ص ۱۸۸)، می‌بایست پس از آن تاریخ درگذشته باشد. کنتوری نیز در یکجا سال ۶۹۹ ق/ ۱۳۰۰ م را تاریخ درگذشت او دانسته است (کشف الحجب والأستار عن أسماء الکتب والأستار: ص ۲۹۱). قبر او را در یکی از دو جا «الدونج» یا «هلنا» در «ماهوز» بحرین دانسته‌اند. محدث نوری یادآور شده که براساس قراین و شواهد، قبر او می‌بایست در «هلنا» باشد (مستدرک الوسائل)، ولی برخی اشاره کرده اند که قبر واقع در الدونج، از آن نیای او «میثم بن علی» است نه کمال الدین ابن میثم.

۲. مشایخ

- ابن میثم در نزد بزرگان علم و دانش کسب دانش کرد. دانشمندانی نظیر:
۱. محقق حلّی، صاحب شرایع؛
 ۲. اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد اصفهانی؛
 ۳. کمال الدین علی بن سلیمان بحرانی، نویسنده کتاب الإشارات (شرح نهج البلاغه ابن میثم: ج ۱ ص ۲۵ و جامع الأسرار و منبع الأنوار)
 ۴. گفته‌اند وی در کلام، شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی بوده است (السلافة البهية فی الترجمة الميمنية: ج ۱ ص ۴۷).

۳. شاگردان

- نخبگان بسیاری از وی بهره علمی برده، نقل روایت کرده‌اند. کسانی چون:
۱. علّامه حلّی؛

۲. حسین بن حماد بن ابی الخیر لثی واسطی، زاهد معروف؛

۳. عبدالکریم احمد بن طاووس؛

۴. بنا بر بعضی از روایات، خواجه نصیر طوسی در خدمت وی تلمذ کرده است (شرح نهج البلاغه ابن میثم: ج ۱ ص ۲۵).

۴. عصر مؤلف

قرن هفتم، مملو از حوادث هولناک است. در شرق، حمله مغول را می‌بینیم که از شرق تا غرب آسیا تداوم یافت؛ مغولانی که جز به قتل و اسارت رضایت نمی‌دادند؛ به طوری که جز اندکی از مردمان، از چنگ آنان نجات نیافتند. در این میان، تلاش‌های طرفداران حسن بن صباح در گسترش عقائد خود، که با ترور افراد همراه بود، بر وخامت اوضاع می‌افزود.

با نگاه به اوضاع غرب کشورهای اسلامی، شرایطی مشابه و یا بدتر را شاهدیم. اختلاف میان پادشاهان کشورهای غربی اسلامی به جنگ‌های صلیبی منجر شد؛ به طوری که مسیحیان سواره و پیاده، به قتل و چپاول مناطق اسلامی پرداختند، فسادها کردند و بر بسیاری از شهرهای آسیای صغیر، چیره گشتند. این اختلاف، گاهی سبب می‌شد که مسلمانان به دشمنان (مغولان) پناه برند و به کسانی اعتماد کنند که خون پدرانشان را ریخته بودند؛ از آنان کمک بخواهند و آنان را بر ریختن بیشتر خون مسلمانان یاری دهند. خلاصه اینکه پستی مغولان، شرق و غرب را فرا گرفته بود و تندی فرنگیان، مردمان را به سختی آزرده بود. آنان که از این دو در امان مانده بودند، شمشیرهایشان آخته و دائماً فتنه بین آنان برپا بود.

کمال‌الدین - اعلی الله مقامه - در شرایطی چنین دشوار، علم اندوخت و مانند خورشیدی پرفروغ، راهنمای سالکان طریق علم و عمل بود (ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن میثم: صص ۱۰-۱۱؛ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران: در جای جای کتاب، به ویژه در مقدمه).

۵. شخصیت علمی

ابن میثم در روزگار خود، چندان شهرت داشته که او را با صفاتی چون فیلسوف، محقق، زبده فقهاء و محدثان و متکلم ماهر وصف کرده‌اند (امل الامل: ج ۱ ص ۳۳۲؛ السلافة البهية فی الترجمة الميمنية). طریحی او را در فقه، چون خواجه نصیرالدین در کلام دانسته است (مجمع البحرین: ج ۶ ص ۱۷۲). همچنین سلیمان ماحوزی بحرانی، به درخواست شاگردان و دوستان، رساله‌ای در شرح حال او به نام السلافة البهية فی الترجمة الميمنية نگاشته است. به گفته وی، فقیهان و محدثان و متکلمان و ادیبان، به آراء و روایات ابن میثم، به تصریح یا به اشاره، استناد جست‌ه‌اند. از جمله گفته‌اند:

مراد میر سید شریف جرجانی از بعض الافاضل در حاشیه مطول تفتازانی - به تصریح

فاضل چلبی شارح دیگر مطول - کمال‌الدین ابن میثم بحرانی است. (السلافة البهية: ج ۱

صص ۴۷-۵۳)

۶. رَحله‌های علمی

اگر چه در منابع، اشارتی به محل تحصیلات او نشده، ولی احتمالاً در عراق و در مراکز تجمع شیعیان مانند حلّه به تحصیل علم پرداخته است. پس از آن، به بحرین بازگشت و گوشهٔ عزلت گزید؛ تا آنکه دانشمندان عراق، خاصه اهل حلّه، که او را مردی دانشمند می‌شمردند، از او خواستند که به تربیت شاگردان و تألیف و تصنیف بپردازد. ابن میثم در آغاز، از سفر سر باز زد، اما سپس به عراق رفت (پیشین: ج ۱ صص ۴۳ - ۴۴)، و به احتمال قوی در حلّه اقامت گزید؛ چه اینکه، کسانی که از او روایت کرده‌اند، مانند سید عبدالکریم بن طاووس حلی (ریاض‌العلماء: ج ۵ ص ۲۲۷) و علامه حلی (روضات الجنات: ج ۷ ص ۲۱۶) اهل حلّه هستند. وی، با خواجه نصیرالدین طوسی معاصر بود و گفته اند که خواجه نزد ابن میثم فقه می‌خواند و او در کلام، شاگرد خواجه بوده است (السلافة البهية: ج ۱ ص ۴۷؛ مستدرک الوسائل: ج ۳ ص ۴۲۶؛ روضات الجنات: ج ۶ ص ۳۰۲).

۷. تألیفات

حدود ۳۰ اثر به ابن میثم نسبت داده شده است که ما در اینجا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: (برای دیدن بقیه آثار وی رجوع کنید به: کاظم موسوی بجنوردی، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ج ۴، ص ۷۱۷)

۱. اختیار مصباح السالکین: خلاصه شرح بزرگ نهج‌البلاغه وی است که آن را به اشاره عطا ملک جوینی برای دو فرزند او نظام الدین محمد و مظفر الدین علی تألیف کرد. این کتاب به ویرایش محمد هادی امینی به چاپ رسیده است.
۲. شرح المئة کلمة لنهج البلاغة: که کنتوری نام اصلی آن را منهج العارفین ذکر کرده (کشف الحجب و الأستار: ص ۳۴۹) و آقا بزرگ تهرانی از نسخه‌های آن در کتاب‌های اهدایی مشکوة و کتابخانه کاشف الغطا یاد کرده است (النریعة: ج ۲۳ ص ۱۶۸). این کتاب در ۱۳۹۰ ق به کوشش محدث ارموی در قم چاپ و منتشر شده است.
۳. قواعد المرام فی علم الکلام: که آن را به اشاره عزالدین ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر نیشابوری نوشت.

ب: مصباح السالکین

۱. نام کتاب

بیشتر مورخان تصریح کرده‌اند که ابن میثم سه شرح بر نهج‌البلاغه دارد: شرح بزرگ، شرح متوسط و شرح کوچک شرح بزرگ موسوم به مصباح السالکین، مشتمل بر پنج جلد می‌باشد و در تهران به سال ۱۲۷۶ ق با هزینهٔ ملامحمد باقر به چاپ رسیده است. شرح متوسط با عنوان اختیار مصباح

السالکین نام بردار است. شرح صغیر در دست نیست، اما صاحب روضات الجنات آن را خوب و بسیار مفید دانسته است. این کتاب در سال ۱۰۸۱ ق روایت شده است (روضات الجنات: ج ۷ ص ۲۱۹).

۲. موضوع

از آن جا که مصباح السالکین، شرح نهج البلاغه است، بنابراین، اطلاعات عرضه شده از سوی مؤلف، به گستره مطالب نهج البلاغه می‌باشد. ناگفته پیداست که فرمایشات امیرمؤمنان علیه السلام در این کتاب، از مبدأ تا معاد و از احکام تا اخلاق را در بر دارد و اگر چه این کتاب، همه معارف و احکام دینی را در بر ندارد، اما از همه این بخش‌ها مطالبی چند در آن یافت می‌شود. از این رو ما در این جا به مواردی محدود اکتفا می‌کنیم^۱. استقصاء نظرات این شارح فاضل، مجالی فراخ می‌طلبد که این مقاله، حوصله و گنجایش آن را ندارد.

یک: عقل

الف. اغنی الغنی العقل

مؤلف در ذیل این بخش از کلام امام علیه السلام چنین نگاشته است:

مقصود حضرت، مرتبه دوم از مراتب عقل نظری است که عقل بالملکه نام دارد و آن عبارت است از اینکه برای نفس انسان از علوم بدیهی و حسی و تجربی، نیرویی حاصل شود که با آن به علوم نظری دست یابد و هدف از آن، این است که به مرتبه بعدی از مراتب عقل برسد. امام علیه السلام ترغیب به استفاده از عقل نموده‌اند، زیرا با عقل است که دنیا و آخرت تحصیل می‌گردد. پس عقل، بزرگ‌ترین وسیله بی‌نیازی بوده، و بی‌نیازی در آن است (شرح نهج البلاغه: ج ۵ صص ۲۶۱ - ۲۶۲).

ب. «العلم وراثة کریمه»

ابن میثم در ذیل این جمله می‌گوید:

علم، فضیلت نفس عاقله و اشرف کمالاتی است که مورد اعتنا می‌باشد و به این دلیل، میراثی گرانقدر از علما است؛ بلکه بهترین ارث و چیزی است که کسب شده. مقصود حضرت علیه السلام میراث معنوی است مانند سخن خدای تعالی که فرمود: فهب لی من لدنک ولیا یرثنی ویرث من آل یعقوب (مریم: آیه ۵) یعنی علم و حکمت. (پیشین: ص ۲۴۰)

دو: اسلام

امام علیه السلام در ابتدای خطبه ۱۰۳ به توصیف اسلام پرداخته‌اند. ابن میثم، ابتدا واژه‌های مبهم این بخش را تشریح نموده، سپس نویسد:

۱. ترتیب عرضه مطالب در این بخش طبق کتاب زیر خواهد بود: اویس کریم، محمد، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، الطبعة الاولى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۰۸ ق.

سه: قرآن

امام علیه السلام خداوند را ستوده‌اند برای آنچه نعمت داده یعنی تبیین اسلام برای عقل‌ها، تا با این شریعت، به سوی خدا سلوک کند و با شرایع، اشاره نموده‌اند به محل ورود عقل‌ها که ارکان اسلام است. تسهیل اسلام، واضح نمودن قواعد و خطابات اسلام است به طوری که آنها را فصیح و الکن می‌فهمند و کودن با زیرک باهوش در وارد شدن در چشمه سارهای آن چه مشارکت دارد. عزیز شناختن ارکان اسلام، حمایت آنها و چیره‌بخشی علیه کسانی است که قصد نابودی آن را دارند. خاموش ساختن نور اسلام، تلاش مشرکان و جاهلان است؛ سپس اسلام را به اوصافی ستوده‌اند که آنها را به بخشنده و تشریح کننده آنها - سبحانه و تعالی - نسبت داده‌اند. (پیشین: ج ۳ صص ۲۹-۳۰)

مؤلف سپس این اوصاف بیست و پنج‌گانه را برشمرده، به توضیح هر یک می‌پردازد.

فجاءهم بتصدیق الذی بین یدیه والنور المقتدی به، ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ینطق ولكن اخبرکم عنه، ألا ان فیه علم ما یأتی والحديث عن الماضي و دواء دائکم ونظم ما بینکم.

پس [پیامبر] نزد آنان آمد، کتاب‌های پیامبران پیشین را تصدیق کنان، و با چراغی که ره جویند بدان. آن - کتاب خدا است - قرآن، از آن بخواهید تا سخن بگویند و هرگز سخن نگویند. اما من شما را از آن خبر می‌دهم. بدانید که در قرآن علم آینده است، و حدیث گذشته. درد شما را درمان است، و راه سامان دادن کارتان در آن است. (نهج البلاغه: صص ۱۵۸-۱۵۹)

ابن میثم می‌گوید:

آنچه را پیامبر تصدیق فرموده، تورات و انجیل است، همانگونه که خداوند متعال فرموده: تصدیق کننده کتاب‌های پیش از خود (مائده: آیه ۴۵)، و به هر کاری که انتظار رود یا نزدیک باشد گفته می‌شود: *انه جار بین الیدین* و امام علیه السلام واژه نور را برای قرآن استعاره گرفته و وجه آن آشکار است. سپس حضرت امر به *استنطاق* قرآن نموده و آن را به شنیدن عبارت از خود آن حضرت تفسیر کرده، زیرا ایشان، زبان کتاب و سنت است و خیالات آنان را که ممکن است امر آن حضرت به استنطاق قرآن را انکار کنند، با این سخن که پس هرگز سخن نخواهد گفت، درهم شکسته است. همچنین آنچه را از علم اولین و سخن دوران‌های گذشته و علم فتنه‌هایی که می‌آید و ویژگی‌های قیامت در قرآن است، یادآور شده و نیز اینکه دواي درد مسلمانان در قرآن بوده و آن درد، ردائل نقصان‌آور است و داروی آن درد، همراهی با فضائل علمی و عملی است که قرآن در بر دارد. و نظام میان مسلمانان به قوانین شرعی و حکمت‌های سیاسی شاره دارد که قرآن مشتمل بر آن است و نظم جهان و سامان‌یابی کارها تنها به آن میسور می‌گردد. (شرح نهج البلاغه: ج ۳ صص ۲۷۳ - ۲۷۴، ذیل خطبه ۱۵۷)

چهار: سنت

امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که عبدالله بن عباس را برای احتجاج به سوی خوارج فرستاد، وی را چنین توصیه کرد:

لا تخصمهم بالقرآن فإن القرآن حمال ذو وجوه تقول و يقولون: ولكن حاججهم بالسنة فإنهم لن يجدوا عنها محيصاً.

به قرآن بر آنان حجّت مياور، که قرآن تاب معنیهای گونه‌گون دارد. تو چیزی - از آیه‌ای - می‌گویی، و خصم تو چیزی - از آیه دیگر - لکن به سنت با آنان گفتگو کن، که ایشان را راهی نبود جز پذیرفتن آن. (نهج البلاغه: نامه ۷۷ ص ۷۸)

ابن میثم در توضیح این کلام امام علیه السلام می‌گوید:

امام، وی را از احتجاج با قرآن نهی کرد و...؛ یعنی آیاتی که احتجاج با آن ممکن است، صراحت در مطلب ندارد و ظاهر در آن است و تأویلات احتمالی دارد که در محاجه، هدف با آن تأمین نمی‌گردد. (شرح نهج البلاغه: ج ۵ صص ۲۳۴ - ۲۳۵، ذیل نامه ۷۶)

عصاره توضیح ابن میثم ذیل توصیه ابن عباس به استدلال به سنت، این است که سنت و روایات، صراحت در مطلوب دارند و هر دلیلی که راه فرار از آن وجود نداشته باشند، استدلال به آن سزاوارتر است.

پنج: اصول دین

از امام علی علیه السلام درباره توحید و عدل پرسیده شد، حضرت در جواب فرمودند:

التوحيد ان لا تتوهمه، والعدل ان لا تتهمه.

توحید آن است که او را به وهم در نیاری و عدل آن است که او را به آنچه درخور نیست، متهم نداری. (نهج البلاغه: کلمات قصار ۴۷۰ ص ۴۴۴)

ابن میثم این عبارت کوتاه را چنین تبیین نموده است:

این دو جمله، با کوتاه بودن، در نهایت شرافت است و شناخت خدا بر مدار آن می‌گردد. جمله اول، بزرگ‌ترین عبارتی است که برای تبیین توحید و تنزیه در غالب سخن ریخته شده است که مفهوم آن را در اول خطبه اول بیان کردیم. خلاصه سخن در این باره در اینجا این است که چون وهم، فقط معانی جزئی‌های را که به محسوس تعلق دارد، درک می‌کند و باری تعالی به مقتضای عقل صرف، از محسوسات و آنچه تعلق به محسوسات دارد منزّه است، روا نیست که وهم برای تصور او گسیل داشته شود و احکام محسوسات را بر خداوند جاری بدانند؛ زیرا در این صورت، در حق باری تعالی جز دروغ نخواهد بود؛ چرا که صحت این احکام، مقتضی محسوس بودن و یا متعلق به محسوس بودن است که یکی از شوئون آن کثرت (ترکیب) است؛ درحالی‌که می‌دانیم این با وحدت صرف خداوند، منافات

دارد. پس امام علیه السلام توحید را به یکی از خواص آن که لازم سلبی می‌باشد، تعریف نموده است.

و اما جمله دوم، پس مقصود از عدل، اعتقاد جریان عدل در همه افعال و اقوال خداوند متعال است و از لوازم ویژه آن، این است که بنده او را متهم نسازد که خداوند از طرفی وی را بر انجام کار زشت مجبور ساخته و از سویی دیگر، او را بر انجام آن عمل، عقاب می‌کند؛ یا اینکه خداوند او را به چیزی که طاقت انجام آن را ندارد، مکلف می‌سازد و مانند این‌ها از مسائل اصول دین، که معتزله در آنها بر ظواهر کلام خداوند اعتماد کرده‌اند. (شرح نهج البلاغه: ج ۵ صص ۴۶۴-۴۶۵، ذیل حکمت ۴۴۲)

نشش: عبادات

امام علیه السلام در مراتب عبادت و عبادت‌کنندگان فرموده‌اند:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.

مردمی خدا را به امید بخشش پرستیدند، این پرستش بازرگانان است و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند و این عبادت بردگان است، و گروهی وی را برای سپاس پرستیدند و این پرستش آزادگان است. (نهج البلاغه: کلمات قصار ۳۳۷ ص ۴۰۰)

این میثم درباره این حدیث می‌گوید:

امام علیه السلام عبادت‌کنندگان را به حسب هدف‌های آنان از عبادت، به سه بخش تقسیم فرمودند و آن، عبادت رغبت، عبادت رهبت و عبادت شکر است.

آن حضرت، گونه نخست را عبادت بازرگانان قرار داده‌اند؛ زیرا آنان در برابر عبادت، ثواب آخرت می‌جویند و با عبادت، آن را می‌طلبند. پس آنان در حکم بازرگانان سود جویند. دوم، عبادت بردگان در دنیا است؛ زیرا خدمت‌گزاری آنان در برابر مولایشان، در بیشتر موارد، از روی ترس است. و بالاخره، سومین نوع عبادت، عبادت شکرکنندگان است که خدا را می‌پرستند، نه از روی طمع و نه از ترس، بلکه چون او، شایسته عبادت است؛ که آن، عبادت عارفان است. حضرت علیه السلام در جایی دیگر نیز به این مطلب اشاره کرده، فرموده‌اند: تو را به دلیل ترس از عقابت و یا طمع در بهشتت نپرستیدم؛ بلکه تو را سزاوار عبادت یافتم، پس عبادتت کردم. (شرح نهج البلاغه: ج ۵ صص ۳۶۰-۳۶۱، ذیل حکمت ۲۲۳)

هفت: اخلاق

این میثم، ذیل کلام حضرت امیر علیه السلام که می‌فرماید: و لا قرین کحسن الخلق؛ و هیچ همنشین، چون خوی نیکو نیست (نهج البلاغه: کلمات قصار ۱۱۳ ص ۳۸۰) چنین می‌نویسد:

پر واضح است در آن چیزهایی که قرین و همنشین آدمی به حساب می‌آیند، چیزی شریف‌تر از حسن خلق نیست؛ زیرا هدف از سایر همنشینان، این است که از همراهی و محبت آنان،

حسن خلق استفاده شود؛ و اگر حسن خلق که خود، غایت است، همراه انسان باشد، هر آینه بهتر از چیزی است که ممکن است ما را به آن غایت (حسن خلق) نرساند. پس، هیچ همراه و همنشینی، چون "حسن خلق" نیست. (شرح نهج البلاغه: ج ۵ ص ۳۰۰، ذیل حکمت ۱۰۴)

۳. انگیزه نگارش

ابن میثم در مقدمه مصباح السالکین، انگیزه خود را در تألیف این کتاب، درخواست عطا ملک جوینی، حاکم بغداد، می‌داند. در مجلسی، عطا ملک درخواست تألیف شرحی برای نهج البلاغه از مؤلف می‌کند و ابن میثم در اجابت این درخواست، به نگارش این شرح دست می‌یازد. (شرح نهج البلاغه، دار إحياء التراث العربی: ج ۱ ص ۱۵)

۴. تاریخ نگارش

از تاریخ شروع نگارش این شرح، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما قطعاً در دوره حاکمیت عطا ملک جوینی بر بغداد بوده است. عطا ملک به سال ۶۸۱ درگذشت (لغت‌نامه دهخدا). مدت نگارش این شرح نیز مجهول است. امتیاز علی خان عرشی، پایان این شرح را سال ۶۷۷ قمری دانسته؛ (استناد نهج البلاغه: ص ۱۳۴؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۶) البته در پایان شرح نیز این تاریخ درج شده است. (شرح نهج البلاغه: ج ۵ ص ۴۶۸)

۵. اهمیت و اعتبار کتاب

این شرح در نزد علماء از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به طور نمونه، میرزا حبیب الله خوئی، از میان شرح‌های نهج البلاغه تنها به سه شرح اعتنا کرده و شرح ابن میثم را بهترین شروع نهج البلاغه دانسته است. وی، این کتاب را خالی از حشو و زوائد و مشتمل بر مطالب علمی بسیار ارزشمند دانسته است. (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۶) سید عبدالله شبر در مطالب مربوط به اعراب و نکات و دقائق، بر این شرح تکیه کرده و با وجود شرح‌های بسیار بر نهج البلاغه، بیشتر شرح خویش را از این کتاب و شرح ابن ابی الحدید برگرفته است. از این رو، شرح خویش را «نخبة الشرحین» نام نهاده است. (نخبة الشرحین فی شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۵)

۶. نسخه‌ها و چاپ‌های کتاب

مصباح السالکین، دارای حداقل ۶۱ نسخه خطی در جهان است.^۱ این کتاب با عنوان «شرح نهج البلاغه» در سال ۱۲۷۶ ق به هزینه ملا محمد باقر در قطع بزرگ در پنج مجلد به چاپ رسید و

۱. تفصیل جزئیات هر یک از نسخه‌های خطی را در منبع زیر ببینید: علی صدرایی خوئی، فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، چاپ اول، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش، ج ۵، صص ۴۹۱ - ۴۹۷؛ همچنین بنگرید به: امتیاز علی خان عرشی، پیشین، ص ۱۳۳. نسخه‌های «اختیار مصباح السالکین» را در مقدمه همین کتاب (اختیار مصباح السالکین)، ص ۳۷ ببینید.

همچنین، در پنج جلد با قطع وزیری در سال ۱۳۷۸ق با مقدمه آقای خاتمی به چاپ رسید. (اختیار مصباح السالکین: ص ۲۸)

۷. منابع کتاب

ابن میثم از منابع فراوانی در تألیف این کتاب بهره برده و در برخی از موارد، به نام نویسنده اکتفا نموده است^۱. وی در دیگر موارد، نام کتاب را نیز یادآور می‌شود. منابع زیر برخی از مستندات مؤلف را تشکیل می‌دهد:

۱. قرآن کریم

۲. الفتوح (شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۵۹۷)

۳. کتاب صفین، تألیف نصر بن مزاحم (پیشین: ج ۲ ص ۲۷)

۴. صحیح مسلم (همان)

۵. صحیح بخاری (همان)

۸. روش مؤلف در نقل احادیث

طبق بررسی‌های انجام شده، نگارنده این مقاله، به شیوه‌ای ویژه برای مؤلف در نقل روایات دست نیافت و احتمالاً وی در برخی از موارد، نیاز به ذکر سند روایات نمی‌دیده است. (ر.ک: پیشین: ج ۱ صص ۵۹۳ - ۵۹۷) اما به هر حال، قضاوت کامل در این باره، نیازمند تتبع کامل در این کتاب است. میرزا حبیب الله خوئی پس از تجلیل بسیار از شرح ابن میثم بر نهج البلاغه می‌گوید:

هر جا که مقام، مقتضی ذکر روایتی برای تأیید یا استناد بوده، ابن میثم بر روایتی عامی تکیه کرده که اعتبار ندارد و دستش از تمسک به ذیل اخبار ائمه اطهار علیهم‌السلام کوتاه بوده است. (منهاج البراعه: ج ۱ ص ۶)

۹. شیوه تدوین و شرح احادیث

ابن میثم در اغلب موارد، ابتدا به سبب صدور کلام از امام علیه‌السلام می‌پردازد. سپس به بیان معنای کلمات مشکل همت می‌گمارد. آنگاه، موارد دشوار صرفی نحوی و بقیه ابعاد ادبی را شرح می‌کند. در مرحله بعد، در صورت لزوم، به تبیین کلامی و فلسفی موضوع می‌پردازد. در همین مرحله، در صورت لزوم، به نقل مطالب از منابع تاریخی دست می‌یازد^۲.

۱. به طور نمونه، او از افراد زیر نام می‌برد: فخرالدین [رازی] (شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۳۵) و ابوالحسن کیدری (پیشین: ج ۱ ص ۸۰) که او نیز شارح نهج البلاغه است؛ محمد بن جریر طبری (پیشین: ج ۱ ص ۵۹۷)، جعفر بن بابویه القمی (پیشین: ج ۵ ص ۲)، ابوالعباس المبرد (پیشین: ج ۲ ص ۳۱)، بعض الشارحین (پیشین: ج ۲ ص ۴۲)، القاضی عبدالجبار، ابوالحسن البصری، السید المرتضی (پیشین: ج ۲ ص ۵۷).

۲. به طور نمونه شرح «خطبه ششقیه» را بنگرید: پیشین: ج ۱، صص ۱۶۷ - ۱۸۰.

۱۰. آگاهی‌های جانبی درباره کتاب

در این مرحله، مطالب بسیاری قابل توجه است که به چند نمونه از آنها اکتفا می‌کنیم:

الف. شرح ابن میثم دقیقاً یک شرح کلامی و فلسفی است.

ب. وی با وجود اینکه شیعه است، هر جا سخن از خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) به میان آمده، با متانت خاصی برخورد کرده است؛ با این که موضع‌گیری‌های حاد زمان ایشان، چنین چیزی را ایجاب نمی‌کرده است.

ج. از آنجا که ابن میثم، سخنان امیر مؤمنان علیه السلام را شرح قرآن و برگرفته از آن می‌دانسته، سعی بلیغ داشته تا مبنای قرآنی کلام امام علیه السلام را تبیین نماید.

د. مؤلف، در آغاز شرح، به سبک بیهقی و کیدری، بحث الفاظ را برای آمادگی ذهن خوانندگان به طور مبسوطی آورده و آنگاه به شرح خطبه‌ها، نامه‌ها و دیگر گفتارهای امام علیه السلام پرداخته است. (شرح نهج البلاغه: ج ۱ صص ۱۵ - ۶۰)

۱۱. نقد

این کتاب، مملو از فوائد علمی است؛ اما از آنجا که مؤلف آن معصوم نیست، برخی از خلل‌های جزئی برای آن برشمرده‌اند. برای تکمیل این تحقیق، بعضی از این ایرادها را ذکر می‌کنیم:

۱. به نظر میرزا حبیب الله خوئی، مؤلف، به روایات بی‌اعتبار عامه تمسک کرده و از روایت اهل البیت علیهم السلام بهره نبرده است. (منهاج البراعه: ج ۱ ص ۶)
۲. نیز ایشان معتقد است که مؤلف در شرح لغات به بیان مواد کلمات اکتفا کرده، به تحقیق هیئت واژگان نپرداخته است. (همان)
۳. برخی را اعتقاد آن است که مؤلف، در مواردی چند، دست به تأویلاتی زده که زمینه‌ای بر آن وجود نداشته است (شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۹)، اما آقای خاتمی معتقد است که این تأویلات، استوار بوده، فهم آن‌ها برای عده‌ای میسور نگشته و گرنه این تأویلات پر از دلایل دقیق حکمی است؛ نه اینکه حاوی وسوسه‌های فتنه‌پوش باشد. (همان)

نتایج و پیشنهادها

مطالعه دقیق زندگی ابن میثم و این شرح عمیق، نکته‌هایی نظیر موارد زیر را به همراه خواهد داشت:

۱. زندگی این مرد بزرگ، حاوی تلاش‌های بسیار و درس‌های گونه‌گون برای سالکان راه علم و عمل است.

۲. آنان که در پی دقایق معارف نهج‌البلاغه هستند، مطالبی بسیار ژرف را در این شرح، که گرچه پنج جلد است اما بسیار موجز نگاشته شده، خواهند یافت.

بنابراین، پس از اندکی کندوکاو در زندگی ابن‌میثم و شرح وی، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح ساخت:

الف: ابعاد گوناگون زندگی شخصی و علمی این رادمرد، همچنان شایسته پی‌گیری و بررسی‌های بیشتر است.

ب: این شرح، تاکنون چون گنجی سربسته باقی مانده و شایسته است برای کشف ابعاد گوناگون آن، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های متعددی سامان یابد تا شاید ابعدی چند از ثمرات علمی مؤلف گرانقدر آن آشکار گردد و هم جامعه علمی از این مطالب کارگشا بهره بیشتری ببرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب نامه

- قرآن مجید

۱. اختیار مصباح السالکین، ابن میثم البحرانی، میثم بن علی، تحقیق محمد هادی الأمینی، الطبعة الاولى، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۰۸ق.
۲. استناد نهج البلاغة، عرشی، امتیاز علی خان، ترجمه تعلیقات و حواشی از دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
۳. أمل الآمل، حر عاملی، محمد، به کوشش احمد حسینی، بغداد: مکتبة الأندلس، ۱۳۸۵ق.
۴. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، موسوی بجنوردی، سید کاظم، چاپ اول، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۵. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، تهرانی، آقا بزرگ، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۳۲ش.
۶. روضات الجنات، خوانساری، محمد باقر، تهران: بی نا، ۱۳۸۲ ق.
۷. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، افندی اصفهانی، عبد الله، به کوشش محمود مرعشی و احمد حسینی، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ق.
۸. السلافة البهية فی الترجمة المیثمیه، ماحوزی بحرانی، سلیمان، بی جا: بی نا، بی تا.
۹. شرح نهج البلاغة، ابن میثم، میثم بن علی، بیروت: دار الآثار للنشر، بی تا.
۱۰. شرح نهج البلاغة، ابن میثم، میثم بن علی، یوسف علی منصور، الطبعة الاولى، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی ودار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. شرح نهج البلاغة، ابن میثم، میثم بن علی، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم وعلی اصغر نوایی یحیی زاده، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. طبقات اعلام الشيعة، طهرانی، آقا بزرگ، به کوشش علی نقی منزوی، بیروت: بی نا، ۱۹۷۲م.
۱۳. فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، صدرایی خوئی، علی، چاپ اول، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۴ش.
۱۴. کشف الحجب والأستار عن الأسماء الكتب والأسفار، کنتوری، اعجاز حسین، به کوشش م. هدایت حسین، کلکته: بی نا، ۱۹۳۵م.
۱۵. لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳ش.
۱۶. مجمع البحرين، طریحی، فخرالدین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: مکتبة المرצועیة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۷۵ق.

۱۷. مستدرک الوسائل، نوری، میرزا حسین، تهران: المطبعة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.
۱۸. المعجم الموضوعی لنهج البلاغة، اویس کریم، محمد، الطبعة الاولى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۰۸ق.
۱۹. مغولان و حکومت ایخانان در ایران، بیانی، شیرین، چاپ سوم، قم: سمت، ۱۳۸۴ش.
۲۰. منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة، الخوئی، میرزا حبیب الله، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۱. منهج المقال، استرآبادی، میرزا محمد، تهران: بی نا، ۱۳۰۶ق.
۲۲. نخبة الشرحین فی شرح نهج البلاغة، شبر، السيد عبدالله، الطبعة الاولى، قم: انتشارات محبین، ۱۴۲۵ق.
۲۳. نهج البلاغة، سید رضی، با ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی